

Investigating and Analyzing the Ways to Achieve Spiritual Health in Perfect Prayer; with an Approach to Expressive, Persuasive and Emotional Works by John Searle

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Samad Ghasemi^{1,2}

Mansoure Shekaramiz^{3*}

Sasan Sharafi⁴

How to cite this article

Samad Ghasemi, Mansoure Shekaramiz, Sasan Sharafi, Investigating and Analyzing the Ways to Achieve Spiritual Health in Perfect Prayer; with an Approach to Expressive, Persuasive and Emotional Works by John Searle, Journal of Quran and Medicine. 2022;7(1):38-44.

1. PhD student, Department of General Linguistics, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
2. PhD student, Department of General Linguistics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of General Linguistics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (corresponding author).
4. Assistant Professor, Department of General Linguistics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone: Email:

m.shekaramiz@iauhvaz.ac.ir

Article History

Received: 2022/01/10

Accepted: 2022/06/01

ePublished: 2022/06/21

ABSTRACT

Komeil prayer, as one of the prominent prayers in Islamic culture, includes various topics. One of the prominent features of this prayer is to pay attention to the factors that endanger a person's spiritual health. On the other hand, the supplicant has tried to walk in a path that leads to getting out of the mistakes related to epistemological issues. In the various passages of this prayer, the speech acts make the words more effective on the audience. In this article, based on library sources and descriptive-analytical method, the solutions presented in Komeil's prayer are examined with an approach to declarative, persuasive and emotional works of John Searle. The results of the research show that the supplicant has used emotional and persuasive words in most cases, which is obvious considering the fact that the text is a prayer. Also, emotional actions show that the supplicant has put himself in a position of weakness and asked God for help. In addition, the continuous requests from the Almighty state that the supplicant has seen his spiritual health in danger and to get out of this situation, he has asked for help from a superior force which is God. The lack of imperative in the act of persuasion indicates the formation of relationships between the creator and the creature based on the principle of obedience. The declarative action also shows the truth of the propositions that the supplicant mentions in connection with various dimensions of the greatness.

Keywords: Komeil's Prayer, Spiritual Health, John Searle, Expressive, Persuasive and Emotional Speeches.

بررسی و تحلیل راه‌های رسیدن به سلامت معنوی در

دعای کمیل؛ با رویکرد به کارگفت‌های اظهاری،

ترغیبی و عاطفی از جان سرل

صمد قاسمی^۱

دانشجوی دکتری، گروه زبان شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
دانشجوی دکتری، گروه زبان شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

منصوره شکرآمیز^{۲*}

استادیار، گروه زبان شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

ساسان شرفی^۳

استادیار، گروه زبان شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

دعای کمیل به عنوان یکی از دعاهای مطرح در فرهنگ اسلامی، موضوعات مختلفی را دربر می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های بارز این نیایش، توجه به عواملی است که سلامت معنوی آدمی را به خطر می‌اندازد. از سوی دیگر، دعاگو سعی کرده است در مسیری گام بردارد که منجر به خروج از بزه‌های مرتبط با مسائل معرفت‌شناسانه شود. در فرازهای گوناگون این دعا، کنش‌های گفتاری موجب اثرگذاری بیشتر کلام بر مخاطب می‌شود. در این مقاله، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، راهکارهای ارائه‌شده در دعای کمیل با رویکرد به کارگفت‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی از جان سرل بررسی می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دعاگو در غالب موارد از کارگفت‌های عاطفی و ترغیبی استفاده کرده است که این امر با توجه به دعایی بودن متن مورد بررسی، بدیهی می‌باشد. همچنین، کنش‌های عاطفی نشان می‌دهد که دعاگو خود را در موضع ضعف قرار داده و از خداوند درخواست یاری کرده است. افزون بر این، درخواست‌های پیاپی از حق تعالی بیان می‌دارد که دعاگو سلامت معنوی خود را در معرض خطر دیده و برای برون‌رفت از این شرایط، از نیرویی برتر که خداوند است، تقاضای کمک‌رسانی کرده است. نبود وجه دستوری در کنش ترغیبی نشان از شکل‌گیری روابط میان خالق و مخلوق بر اساس اصل اطاعت‌پذیری دارد. کنش اظهاری نیز، مبین صحت گزاره‌هایی است که دعاگو در ارتباط با ابعاد گوناگون باری تعالی ذکر می‌کند.

کلیدواژه: دعای کمیل، سلامت معنوی، جان سرل، کارگفت‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

*نویسنده مسئول: m.shekaramiz@iauhvaz.ac.ir

مقدمه

مطالعات فلسفی مرتبط با تحلیل زبان که در سده بیستم در بیشتر کشورهای انگلیسی‌زبان رواج پیدا کرد، بعدها با عنوان سنت فلسفه تحلیلی شناخته شد. این فلسفه، پاره‌ای از موضوعات سنتی فلسفه را با شیوه‌های نوین درآمیخت و در این زمینه به تحلیل معنا توجه کرد. (۱) مجموعه‌ای از پیشرفت‌های نظری مهم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی پدید آمد و فلسفه تحلیلی را با مفاهیم جدید مواجه کرد که نظریه کنش‌های گفتاری (Theory of Speech Acts) از آن جمله است. این مقوله در ابتدا با آراء جی.ال آستین (John Langshaw Austin) طراحی و تبیین گردید. اساس شکل‌گیری نظریه کنش‌های گفتاری به دلیل مخالفت‌های او با آراء پوزیتیویست‌های منطقی بازمی‌گردد. از دید این گروه، کارکرد اصلی فلسفی زبان، ارزیابی جملات از دید صدق و کذب است. در غیر این صورت، آن جمله بی‌معنا خواهد بود. آستین باور داشت که زبان کارکردی صرفاً توصیفی برای تعیین صدق یا کذب واقعیت‌ها ندارد و برخی جمله‌ها شامل این تعریف نمی‌شوند و عملکرد دیگری دارند. او اعلام کرد که برخی جملات قابل ارزیابی صدق و کذب نیستند و هدفی که از بازگویی جملات دنبال می‌شود، انجام کنشگرانه یک عمل است نه تأیید صدق و کذب مسأله‌ای. (۲) آستین این گروه از عبارات را «جمله‌های انجام‌گر» (Performative Utterances) نامید. (۳) هنگامی که شخصی عبارتی چون: «این زن را به همسری برمی‌گزینم» و «قول می‌دهم فردا به دیدنت بیایم» و ... را بر زبان می‌آورد، کاری انجام می‌شود. بنابراین، باید آنها را نوعی کنش محسوب کرد. (۱) جان سرل با نوعی بازنگری در آراء آستین، بیان کرد که گوینده با اظهار جمله‌ای که ادا می‌کند، دست کم سه نوع کنش جداگانه انجام می‌دهد که عبارت است از: الف) کنش تلفظی که شامل به کارگیری لفظی واحدهای بیانی مانند کلمه‌ها و جمله‌ها می‌شود. ب) کنش گزاره‌ای که گوینده هنگام سخن گفتن از چیزی یا اسناد و حمل کردن چیزی در جمله انجام می‌دهد. (۳) ج) کنش منظوری که در یک جمله بیان می‌شود و شامل انتقال محتوای گزاره‌ای آن جمله و همچنین، حمل و یک بار منظور مشخص به وسیله گوینده است. (۴) جان سرل اهداف کنش‌های منظوری را در پنج متغیر بازنمایی کرده که عبارت است از: اظهاری (Representative Act or Assertive Act)، تعهدی (Commissive Act)، عاطفی (Expressive Act) و اعلامی (Declaration Act). از دید او، سه متغیر در این دسته‌بندی پنج‌گانه برجسته شده‌اند: ۱. حالات روانی و درونی ۲. کیفیت سازگاری گفتار با جهان خارج ۳. محتوای گزاره‌ای. (۳)

بیان مسأله

یکی از دعاهایی که در فرهنگ شیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دعای کمیل نام دارد. در این دعا توضیحات گوناگونی از سوی حضرت علی(ع) مطرح شده و رابطه میان خالق و مخلوق به خوبی بازنمایی شده است. حضرت سعی کرده‌اند الگویی مطلوب از پیوند میان آدمی و خداوند را تشریح کنند و در جمله‌های گوناگون و به

دعای کمیل و نمونه تحقیق، آن دسته از بندهایی است که با مقوله سلامت معنوی مرتبط هستند.

میانی نظری تحقیق

کارگفت‌های پنج‌گانه جان سرل: این نظریه زیرمجموعه تحلیل گفتمان به شمار می‌رود. آنچه در نظریه مذکور اهمیت دارد این است که بجای توجه به جمله‌ها، تمرکز بر پاره‌گفتارها قرار دارد. «پاره‌گفتارها قطعات کوتاه یا بلند زبانی هستند که معنای آنها حاصل تعامل زبان و بافت تولید است. این رویکرد باعث می‌شود که انعطاف بیشتری در تحلیل‌ها پدیدار شود؛ زیرا از منظر کنش‌های گفتار، یک پاره‌گفتار می‌تواند کلمه، جمله یا گفتمانی کامل باشد».

(۷) سرل به صورت جبه‌طلبانه‌ای ادعا می‌کند که نظریه کارگفت‌های پنج‌گانه مسائل مهمی چون حکایت، معنا، وابستگی افعال گفتاری به نهادهای اجتماعی و حتی چگونگی استنتاج «باید» از «است» را توضیح می‌دهد. (۸) او برای کنش‌های گفتاری همواره با اظهار یک جمله یا علامت انجام می‌شوند. از این جهت، کنش‌های گفتاری به طور کلی تابع معنای جمله‌اند. (۱) سرل باور دارد که زبان نه تنها به توصیف پدیده‌ها می‌پردازد، بلکه در اجرای آنها نقش دارد. به این معنا که گوینده از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد. (۹) اهداف کارگفت‌های پنج‌گانه از دید جان سرل عبارتند از: اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی.

الف) کنش اظهاری: ماهیت این نوع کارگفت شامل اظهارات، ادعاها و نتیجه‌گیری‌هایی است که گوینده به حقیقت درستی یا نادرستی آن ایمان دارد. (۱۰) به بیان دیگر، در این کنش، گوینده باور خود را درباره صدق گزاره‌هایی بیان می‌دارد و به بازنمایی وقایع و پدیده‌های جهان بیرون و عینی می‌پردازد. (۱۱) ب) کنش ترغیبی: گوینده با کاربرد این کنش گفتاری از شنونده می‌خواهد کاری انجام دهد. این کنش، برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش به کار برده می‌شود. (۱۱) در این کنش، گوینده برای برانگیختن مخاطب جهت انجام یا ترک کاری، واژه‌ها و عبارات‌ها و فعل‌های ویژه‌ای را به کار می‌گیرد. (۱۱) ج) کنش عاطفی: این کنش‌ها شامل حالت روحی و روانی و احساسات گوینده می‌شود. هرگاه که گوینده حالات درونی خود را از طریق لذت، تنفر، عذرخواهی، علاقه و حتی ناسزا بیان می‌کند، نوع کنش، عاطفی است. (۱) این گزاره از طریق واژه‌های دارای بار عاطفی و احساسی مانند: تبریک و تسلیت گفتن، هجو و تشکر و مدح کردن، تأسف خوردن و ... تأثیرات لازم را در مخاطب به وجود می‌آورد. (۱۱) د) کنش تعهدی: برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده به کار گرفته می‌شود. (۱۳) وقتی فعل‌هایی چون: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن و داوطلب شدن را به کار می‌بریم، این کنش حاصل می‌شود. ه) کنش اعلامی: هدف این کنش، تغییر واقعی در جهان خارج از طریق گفتن چیزی است. در جمله‌های اعلامی، هدف گوینده ایجاد وضعیت امور بیان شده در محتوای گزاره‌ای است که به درستی انجام موفقیت‌آمیز کنش گفتاری منحصر است. (۱)

روش‌های مختلف از نیازها و خواسته‌های آدمی سخن به میان آورند. در این دعا به موضوع وارد شدن آدمی به بحران‌های گوناگون گره خورده با معنویات اشاره شده است و از سوی دیگر، راه‌های برون رفت از این شرایط هم بازنمایی شده است تا مخاطب هر دو حالت را در نظر آورد و با فرجام هر مورد آشنا شود. در کنار سلامت جسمانی که اهمیت بسیاری دارد، رسیدن به سلامتی معنوی هم در باورهای اسلامی دارای ارزش ویژه‌ای است. در واقع باید گفت که این نوع از سلامت ارزشمندی بیشتری دارد. با نظر داشت این پیش فرض، در دعای کمیل به مسائلی که منجر به تأمین سلامت معنوی مؤمن می‌شود، به صورت صریح و غیرمستقیم اشاره شده است.

طبق باور سرل، «وحی مجموعه‌ای از افعال گفتاری خداوند است». (۵) دیدگاه افعال گفتاری در باب وحی، دست کم دو ادعا دارد: (۱) وحی سرشت زبانی دارد. وحی از زبان مستقل نیست. خدا بر پیامبر وحی کرده است، به این معنا که او ارتباطی با خداوند برقرار نموده است. (۲) خدا در این ارتباط زبانی، افعال گفتاری انجام داده و جملاتی معنادار را از زبان خاصی بر پیامبر اظهار کرده است که این جملات محتوا و مضمون خاصی داشته‌اند. (۵) بنابراین، زبان وحی که مصداق‌هایی از آن غیر از قرآن، در نیایش‌هایی چون دعای کمیل هم قابل مشاهده است، از سرشتی کنشگر و گفتارمحور برخوردار است.

مسئله اصلی در مقاله حاضر این است که این ارتباط با استفاده از ظرفیت‌های کارگفت‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی جان سرل سنجیده و تبیین شود. بر این پایه، سؤالات این تحقیق عبارتند از: الف) کارگفت‌های یادشده چه تأثیری در دسته‌بندی و تحلیل گزاره‌های موجود در دعای کمیل دارد؟ ب) پرتکرارترین کنش گفتاری در این دعا کدام است و این بسامد به چه معناست؟ ج) راهکارهای رسیدن به سلامت معنوی در دعای کمیل کدام است؟

مواد و روش‌ها

این تحقیق با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. برای تحلیل راه‌های رسیدن به سلامت معنوی در دعای کمیل، از نظریه کارگفت‌های پنج‌گانه جان سرل استفاده شده است. دلیل گزینش این نظریه برای تحقیق حاضر این است که به عقیده محققان، در برخی دوره‌ها بررسی متون مقدس تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم، بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی صورت گرفته که این امر باعث نادیده گرفته شدن حقایق فرازبانی حاکم بر متن شده است. در نظریه کنش گفتاری، این ضعف برطرف شده است. (۶) سرل در نظریه خود، بافت کلام را در کانون توجه قرار داده و برای تحلیل‌های زبانی، این متغیر را هم، مورد نظر قرار داده است. ساختار کلی مقاله به این شکل است که ابتدا توضیحاتی درباره کارگفت‌های پنج‌گانه ارائه شده و آراء جان سرل به صورت مفصل تبیین گردیده و در نهایت، تحلیل فرازبانی از دعای کمیل در سه بخش کنش‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی انجام شده است. همچنین، مصداق‌هایی از کنش‌های اعلامی و تعهدی جهت بازنمایی سلامت معنوی در متن دعا دیده نشده است. جامعه آماری تحقیق،

بحث اصلی
 کنش اظهاری

خروج از این شرایط بیان می‌گردد. بنده خود را کاملاً تسلیم می‌داند و هیچ حقی برای خودش قائل نیست و در برابر، خداوند را در موضع قدرت قرار می‌دهد. حضرت (بنده) در این فرازها از دعای کمیل، ضمن تشریح بخشی از واقعیت‌های جهان خارج، تنها راه رسیدن به مرزهای سلامت معنوی را حضور باری تعالی در حیات آدمی می‌داند. حضرت این پیام‌ها را به صورت خبری اظهار می‌کند که این سخن الهی از نگاه بی‌طرفانه و از دید صدق و کذب، قابل بررسی است که طبیعتاً از نگاه دین‌مداران، تردیدی در درستی این ادعا نیست:

«الهِی وَ مَوْلَايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَ لَمْ اَخْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَرْبِيْنِ عَدُوِّي. فَغَرَّبْنِي بِمَا اَهْوَى وَ اَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكُ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكُ بَعْضُ حُدُوْدِكَ وَ خَالَفْتُ بَعْضَ اَوْامِرِكَ. فَلَكَ الْاِحْمَدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكُ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيْمَا جَرَى عَلَيَّ فِيْهِ قَضَاؤُكَ وَ اَلْزَمْتَنِي حُكْمَكَ وَ بَلَاؤُكَ». (۱۳) به معنی «خدای من و سرور من، حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در آن پیروی کردم و از فریبکاری آرایش دشمنم نهراسیدم. پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده‌ام پاریش نمود، پس بدین‌سان و بر پایه گذشته‌هایم از حدودت گذشتم، و با برخی از دستورات مخالفت نمودم. پس حمد تنها از آن توست در همه اینها. و مرا هیچ حقی نیست در آنچه بر من از سوی قضایت جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزم نموده است».

کنش ترغیبی

در کنش ترغیبی، گوینده قصد دارد مخاطب خود را از روی اجبار یا تشویق به انجام یا ترک عملی دعوت کند. (۱۱) این کنش گفتاری نمودهای مختلفی دارد و به صورت سؤال، تقاضا و دستور بیان می‌شود. هنگامی که گوینده از این کنش برای رساندن منظور خود بهره می‌برد، هماهنگی میان جهان خارج و دنیای آرمانی مورد نظر اوست. (۱۴) در این کنش، گوینده خواهان تحقق دنیایی مطلوب است و جهان را آنگونه که تمایل دارد، تصور می‌کند.

در دعای کمیل، با توجه به رسالتی که شماری از فرازهای دعا در هدایت و راهنمایی مخاطبان عهده‌دار هستند، شاهد بازتاب این کنش هستیم. حضرت در بخش‌های گوناگون از خداوند درخواست می‌کند که او را از شرایط بحرانی که بنده‌ها گرفتار آن می‌شوند، برهاند. در واقع، حضرت به این باور رسیده است که برای خروج از بحران‌های معرفت‌شناسانه بشر، خداوند باید یار و یاور باشد و در سایه بزرگواری حق تعالی، سلامت معنوی تأمین شود. کنش‌های ترغیبی در این دعا عمدتاً از نوع تقاضا و درخواست است؛ زیرا مخلوق در حال خواهش کردن از خالق است و حضرت علی^(ع) کیفیت این موضوع را از طریق کاربست کنش ترغیبی نشان داده است. حضرت رد کلیت بنده‌های زیر از دعای کمیل به این مهم اشاره می‌کند که اگر بنده‌ای از توجهات و الطاف الهی محروم شود، قطعاً فرجام مطلوبی برای او وجود نخواهد داشت. تکرار عبارت «خدایا! بیامرز» نشان دهنده اهمیت نقش و جایگاه خداوند برای رسیدن بنده به سلامت معنوی است:

این کنش دارای ارزش صدق و کذب است و گوینده ادعای صادق بودن آن را دارد. هنگامی که گوینده جهان خارج از ذهن خود را آن‌طور که باید به تصویر می‌کشد، کنش از نوع اظهاری است. (۱۲) در بخش‌هایی از دعای کمیل که این کنش نمود دارد، جهان واقعی همراه با نتیجه‌گیری‌ها و ادعاهای مختلف بازگو شده است. حضرت در بخش‌های گوناگونی از دعا، به صفات برجسته حق تعالی اشاره شده است که با تکیه بر آن می‌توان به طلوع آینده‌ای روشن امیدوار بود و از بحران‌های پیش‌روی که سلامت معنوی آدمی را به خطر انداخته است، بازرهد. حضرت شبکه‌ای از این صفات‌ها را کنار هم قرار داده است تا قدرت حق تعالی را بازنمایی کند و به مخاطب بگوید که با چه پدیده قدرتمندی مواجه است. این صفات‌ها (آمرزنده، پرده‌پوش، معبود، پاک، منزّه، بخشنده، بلاگردانی، نگاهبانی و ...) کاملاً قابل راستی‌آزمایی هستند. حضرت این ویژگی‌ها را مطرح کند تا این مهم را به مخاطب خود بگوید اگرچه بزه‌های بسیاری در زندگی خود انجام داده و از مرزهای سلامت معنوی دور شده‌اند، اما توجه و توسل به قدرت‌های حق تعالی و باور به او می‌تواند زمینه‌ساز ورود به دنیایی جدید شود. دنیایی که در آن، بزه‌ها به نیکویی‌ها بدل می‌شود. در فرازهای ذیل، باور حضرت درباره درستی گزاره‌ای که شرح داده، منعکس می‌شود. در مجموع، کنش اظهاری، نوعی اطمینان قلبی در شنونده دعا به وجود می‌آورد و کیفیت این ایقان با مقوله سلامت معنوی گره خورده است:

«اَللّٰهُمَّ لَا اَجْدُ لِدُنُوْبِيْ غَافِرًا وَ لَا لِصَيِّئَاتِيْ سَاتِرًا وَ لَا لِشِيْءٍ مِنْ عَمَلِيْ اَلْقَبِيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ. لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ وَ بَحْمَدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ وَ تَجَرَّاتُ بِجَهْلِيْ وَ سَكَنْتُ اِلَى قَدِيْمٍ ذَكَرَكَ لِيْ وَ مَنِكَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيْحٍ سَتَرْتَهُ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقْلَنْتَهُ. وَ كَمْ مِنْ عِنَارٍ وَقَيْتَهُ وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوْهِ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيْلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ». (۱۳) به معنی «خدایا! آمرزنده‌ای برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشتکاری‌هایم و تبدیل‌کننده‌ای برای کار زشت‌م به زیبایی. جز تو نمی‌یابم معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی و به ستایشت برخاسته‌ام، به خود ستم کردم و از روی نادانی جرأت نمودم و به یاد دیرینه‌ات از من و بخششت بر من به آرامش نشستم. خدایا! ای سرور من! چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من برگرداندی. و چه بسیار لغزشی که مرا از آن نگهداشتی و چه بسیار ناپسند که از من دور کردی و چه بسیار ستایش نیکویی که شایسته آن نبودم و تو در میان مردم پخش کردی».

در بخش دیگری از دعا، بنده به گناهکاری خود اعتراف می‌کند و ضعف‌های رفتاری و شخصیتی خود را صراحتاً بیان می‌دارد. اختلا-هایی که او از آن سخن می‌گوید، سلامت معنوی فرد را به خطر انداخته و وجود معرفت جوی وی را با چالش‌های اساسی روبه‌رو کرده است. پاره‌گفتارها و جمله‌هایی که حضرت از زبان بنده خطاکار به کار می‌گیرد، نشان از این وضعیت نامطلوب دارد. پس از بازنمایی یک سوی ارتباط معنوی یعنی مخلوق، اینک به بازنمایی ویژگی‌های خداوند پرداخته می‌شود و کارکردهای باری تعالی برای

همراهی کند؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان به سعادت و رستگاری حقیقی امید داشت. او باور دارد که همه کوشش بنده باید بر این اصل معطوف باشد که بتواند در مسیر جلب رضایت الهی گام بردارد. مجموعه‌ای از تقاضاها و خواست‌ها در فرازهای ذیل از دعا مطرح شده و کنش‌های گفتاری را از نوع ترغیبی و برانگیزاننده کرده است:

«وَلَا تَفْضُخْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي. مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاتِي وَدَوَامِ تَقْرِيْبِي وَجَهَاتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي. يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ.» (۱۳) به معنی «و مرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا مسازی و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام دادم شتاب نکنی، از زشتی کردار و بدی رفتار و تداوم تقصیر و نادانی و بسیاری شهواتم و غفلتم، شتاب نکنی. ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم اعضايم را در راه خدمت نیرو بخش و دلم را بر عزم و همت محکم کن، و کوشش در راستای پروایت و دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار.»

بنده در برابر بزرگی خداوند، موجودی ناتوان و ضعیف است. با پذیرفتن این اصل معرفتی، موضوع بعدی از سوی حضرت مطرح می‌شود و آن، درخواست کمک و امداد از منبع اصلی قدرت است. حضرت باور دارد که خداوند در هر زمینه‌ای قدرتی لایزال و پایدار دارد و کسی قادر به برابری با وی نیست. در نتیجه، همه تمرکز خود را بر تشریح این مهم قرار می‌دهد که برای نمود یافتن ظرفیت‌های مؤمن، او باید به خداوند روی بیاورد. حضرت علی^(ع) (به عنوان گوینده) قصد دارد جهان را با محتوای گزاره‌ای که عمل آتی مؤمنان (به عنوان شنونده) را شامل می‌شود، تطبیق دهد و مدینه فاضله‌ای را که باید، تحقق بخشد. در این مدینه فاضله که بر اساس خدامحوری و فضایل نیکوی الهی شکل گرفته است، سلامت معنوی تبلور پیدا می‌کند:

«اللَّهُمَّ وَمِنْ أَرَادَتِي بِسُوءِ فَارْدُهُ وَمَنْ كَادَتِي فِكْدُهُ. وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيْبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ زُرْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ.» (۱۳) به معنی «خدايا! هر کس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن، و هر کس با من مکر ورزد تو با او مکر کن. و مرا از بهره‌مندترین بندگانت نزد خود، و نزدیک‌ترین نشان در منزلت به تو و مخصوص‌ترین نشان در رتبه به پیشگاهت بگردان؛ زیرا این همه به دست نیاید، جز به فضل تو.»

کنش عاطفی

در کنش عاطفی، معمولاً دیدگاه یا حالت روان‌شناسی گوینده مانند: تأسف، گله‌مندی، لذت، علاقه یا تفریح بیان می‌شود. در این کنش، انطباقی میان ذهن و جهان بیرون وجود ندارد. نمود کنش عاطفی در سرزنش، تبریک، تحسین، تشکر و عذرخواهی قابل مشاهده است. (۴) بنابراین، در جریان این کنش، احساسات مثبت یا منفی گوینده از طریق واژه‌های عاطفی بازگو می‌شوند. (۱۵)

کنش عاطفی در دعای کمیل بارها تکرار شده است. دلیل این بسامد را می‌توان ناشی از عمق تأثرات و تألمان درونی بنده گناهکار دانست

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِي.» (۱۳) به معنی «خدايا! بیامرز برای من آن گناهانی را که پرده حرمت‌م می‌برد. خدايا! بیامرز برای من آن گناهانی را که کيفرها را فرو می‌بارند. خدايا! بیامرز برایم گناهانی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازند. خدايا! بیامرز برایم گناهانی که بلا را نازل می‌کند. خدايا! بیامرز برایم همه گناهانی را که مرتکب شدم و تمام خطاهایی که به آنها آلوده گشتم. خدايا! با یاد تو به سویت نزدیکی می‌جویم و از ناخشنودی تو به درگاه خودت شفاعت می‌طلبم.»

در این دعا، بنده همواره در حال خواهش و درخواست از خداوند است و اگر نیازی دارد و مطلبی را بازگو می‌کند، به حالت تضرع و خواهش است. از این‌رو، نوع کنش ترغیب را باید بر اساس درخواست و تقاضا دانست، نه امر و دستور. رویکرد رایج خالق و مخلوق در همه فرازهای این دعا به خوبی دیده می‌شود و از آنجا که بنده خود را خوار و ضعیف می‌شمارد، سعی می‌کند از باری تعالی که قدرتی برتر و بالاتر است درخواست کند تا نیازهای بنده گناهکار را مورد توجه قرار دهد. بنده‌ای که به این درجه از شناخت و معرفت رسیده است که می‌داند از مؤلفه‌های شکوفایی و سلامت معنوی فاصله گرفته و این دوری می‌تواند تبعات منفی عیدیه‌ای برای او به همراه داشته باشد. در نتیجه، سعی تلاش می‌کند با نگاهی همراه با خضوع و خشوع پیش برود تا بلکه خواسته‌هایش مورد توجه درگاه باری تعالی قرار بگیرد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَكِّرٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقَسَمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ.» (۱۳) به معنی «خدايا! از تو درخواست می‌کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، خوار و افتاده که با من مدارا نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی‌ام نموده‌ای، خشنود و قانع بداری و در تمام حالات در عرصه تواضع بگذاری. خدايا! از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که سخت تهیدست شده و بار نیازش را به هنگام گرفتاری‌ها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد توست فزونی یافته است.»

در بخش‌های مرتبط با کنش ترغیبی، ساختن دنیایی بهتر و ارائه راهکارهایی برای رسیدن آدمی به کمال، شکوفایی و سلامت معنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اصولاً زمانی از این کنش استفاده می‌شود که حضرت موقعیت کنونی آدمی را مطلوب نمی‌داند و برای برون‌رفت از این شرایط، سعی کرده است روش‌های توسل به خداوند و سخن گفتن با حق تعالی را به بندگان بزهکار و خطاکار بیاموزد. حضرت در ابتدا بیان می‌دارد که خداوند دارای صفات عالی و تام و تمام است. از این طریق، تصویری کلی از پدیده‌ای جامع که بنده در برابر آن قرار دارد، بازنمایی می‌شود. در ادامه از چنین خداوند کامل و بی‌مانندی درخواست می‌کند تا او را در دشواری‌های زندگی

سِيرُ بَقَائِهِ قَصِيرٌ مُدْتَبِعٌ فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلٌ وَفُوحِ الْمَكَارِهِ فِيهَا» (۱۳) به معنی «و تو از ناتوانی ام در برابر اندکی از غم و اندوه دنیا و کیف‌های آن و آنچه که از ناگواری‌ها بر اهلت می‌گذرد، آگاهی. با آنکه این غم و اندوه و ناگواری درنگش کم، بقایش اندک و مدتش کوتاه است. پس چگونه خواهد بود تا بم در برابر بلاي آخرت، و فرود آمدن ناگواری‌ها در آن جهان بر جسم و جانم؟».

در فرازهای ذیل، گزاره‌هایی خبری با متغیرهای عاطفی درآمیخته و گفتمان دوگانه پاداش/عذاب را پی‌ریزی شده است تا از روی قطعیت مسائلی مطرح شود که در نهایت، مخاطب و شنونده را به این باور می‌رساند که در کنار توکل به خداوند و با ایجاد پیوندهای دوسویه با مقام اقدس الهی، امکان رسیدن به سعادت و سلامت معنوی وجود دارد. تقویت عنصر عاطفه در این فرازها منجر به درک معنایی بهتر و پذیرش ساده‌تر محتوای دعا شده است. کارکرد منظورشناختی پاره‌گفتارهای کنشی عاطفی با کنش‌های همگام شده است تا وابستگی بنده به خالقش بازنمایی شود:

«لَئِنْ صَبَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَحِبَّائِكَ وَ اَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا اِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرًا عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ اصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ» (۱۳) به معنی «پس اگر مرا در عقوبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی، و بین من و اهل عذابت جمع کنی، و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی، ای خدا و آقا و مولا و پروردگارم، بر فرض که بر عذابت شکیبایی ورزم، ولی بر فراق چگونه صبر کنم؟».

از دید حضرت، انسان همواره می‌تواند نسبت به بخشیده شدن از سوی خداوند امیدوار باشد؛ زیرا با پروردگاری مواجه است که پیوسته از روی بردباری با بندگانش رفتار می‌کند. علی (ع) قصد دارند گفتمان امید و رجاء را از طریق کاربرت کنش عاطفی برای مخاطبان شرح دهند تا نگاه سلبی و دفعی نسبت به خداوند نداشته باشند و خالق خود را با شور و علاقه افزون‌تری پرستش کرده و با وی ارتباط برقرار کنند. کاربرت کنش عاطفی در رسیدن به این هدف، اثری مستقیم و مطلوب داشته است. راوی از بنده‌ای سخن می‌گوید که اگرچه به انواع بزه‌ها آلوده شده است، ولی همچنان برای بخشیده شدن از جانب خداوند، امیدوار است. حضرت از خدای سخن می‌گوید که نه از روی غیض و غضب، بلکه از روی مهربانی و عطوفت با بنده‌اش رفتار می‌کند و با حمایت از همه مخلوقاتش، بلا و گرفتاری و رنج ناشی از حضور در آتش دوزخ را برای آنها می‌کاهد و از بین می‌برد. با استفاده از ظرفیت‌های کنش عاطفی و بهره‌گیری از جمله‌های مبتنی بر احساسات انسانی، بازتعریفی از روابط میان بنده و انسان ارائه شده و در نهایت، این مهم مطرح گردیده است که انسان به هیچ روی نباید از محبت‌های خداوند در حق خودش ناامید شود:

«يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حُلْمِكَ. اَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ. اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبِئِهَا وَ اَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ. اَمْ كَيْفَ يَسْتَمِيلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ. اَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ اَطْبَاقِهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ. اَمْ كَيْفَ تَرَجُرُهُ رَبَائِئِهَا وَ هُوَ يَبْذُوكَ يَا رَبِّهِ. اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

که از کرده‌های خود پشیمان شده و خواهان توجهات و الطاف الهی است. در این شرایط، بنده درونی‌های خود را بروز می‌دهد و احساسات خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد تا در نهایت، انگیزه خود را برای رسیدن به سلامت و شکوفایی معنوی نشان دهد. بر اساس این پیش‌فرض، در بندهای ذیل از دعای کمیل، حالات و عواطف بنده‌ای بازنمایی شده است که می‌داند به انواع خطاها و بزه‌ها آلوده شده است. بنده‌ای که به دلیل پیروی از نفس و هوس‌های زودگذر، از اصل انسانیت خود دور شده و جایگاه و مقام والای انسانی خود را خدشه‌دار کرده است. حال، با بیانی خاضعانه و همراه با زبونی و تابعیت، درونی‌های خود را بیان کرده و به دلیل کوتاهی- هایش از درگاه الهی عذرخواهی می‌کند. این پوزش‌خواهی که در پاره‌گفتارها و جمله‌های دعا دیده می‌شود، بازنماینده کنش‌های عاطفی راوی (بنده) است. در مجموع، علی (ع) کلام خود را با گزاره-هایی متنوع آغاز می‌کند و در ادامه با تکیه بر ظرفیت‌های کنش عاطفی، علاقه‌مندی مردم را ایجاد تحول‌های شناختی در خودشان ابراز می‌کند. تحلیل کنش عاطفی در این فرازها از دعای کمیل نشان می‌دهد که بنده برای رسیدن به کمال معنوی و شخصیتی همچنان به دستگیری‌های خداوند امیدوار است. حضرت با تبلیغ گفتمان رواداری حق تعالی از طریق کاربرت کنش عاطفی، باعث برانگیخته‌شدن امیدواری در مؤمنان شده و آنها را برای اطاعت از خداوند تهییج کرده است:

«وَ قَدْ اَتَيْتُكَ يَا اِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ اِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا مُتَكْسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَعْفِرًا مُتَبِئًا مُقْرَأًا مُدْعِنًا مُعْتَرَفًا. لَا اَجِدُ مَقْرَأًا مِمَّا كَانَ مِنِّي وَ لَا مَقْرَعًا اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ فِي اَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عَذْرَى وَ اِدْخَالِكَ اِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اَللّهُمَّ فَاقْبَلْ عَذْرَى وَ اَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَ فَكُنْ مِنِّي شَدِيدًا وَ تَائِيًا» (۱۳) به معنی «ای خدای من، اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهش‌های نفس خدخواستار، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت، طالب آمرزش، بازگشت‌کنان با حالت اقرار و اذعان و اعتراف به گناه، بی‌آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده است بیابم و نه پناهگاهی که به آن روی آورم، جز اینکه پذیرای عذرم باشی و مرا در رحمت فراگیریت بگنجانی. خدایا! پس عذرم را بپذیر و به بدحالی‌ام رحم کن و رهایم ساز از بند محکم گناه».

در دعای کمیل، عاطفه عنصری پویا و اثرگذار برای تشریح، تبیین و انتقال مسائل مهم اخلاقی و معرفتی است. راوی بارها بر این اصل تأکید می‌کند که به دلیل آلوده شدن به انواع گناهان، غمگین و شرم‌منده است. نکته‌ای که از ژرفای تمایلات بنده برای بازگشت به دامان الهی حکایت دارد. نوع کنش عاطفی در این پاره‌گفتارها، سرزنش نسبت به گذشته‌ای پربزه است. او بارها بر ناتوانی خودش تأکید کرده و نشان داده است که هیچ ادعایی در برابر خالق ندارد. در ادامه، اندوهناکی و حسرت‌های خود را تشریح می‌کند و دیدگاه-ها و برداشت‌های شخصی خود را از این موضوع بیان می‌دارد. در نهایت، اعلام می‌دارد که بدون یاری خداوند، امکان تاب‌آوردن در برابر سختی‌ها و بلاهای این جهانی و حتی آن جهانی وجود ندارد:

«وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَيَّ اَهْلِيهَا. عَلَيَّ اَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُئُهُ

3. Searle, J.R, (1968), *Speech acts*, Cambridge: Cambridge university press.
4. Huang, Y, (2006), "Speech Acts", In Brown, K.; A. Barber & R. J. Stainton
5. (eds.), *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*,
6. Oxford: Elsevier Ltd.
7. Ghaemini, Alireza, (1381), *revelation and verbal verbs; Theory of verbal revelation*, Qom: Islamic Education Association.
8. Buss, M. J, (1988), "Potential and actual interactions between speech act theory and Biblical studies", *Semeia*, No. 41.
9. Hosseini-Masoom, Seyyed Mohammad and Radmard, Abdullah, (2014), "The effect of temporal-spatial context on speech-action analysis; Comparison of the frequency of speech acts in the Meccan and Madani surahs of the Holy Qur'an", *Bimonthly Journal of Linguistic Studies*, Volume 6, Number 24.
10. Lepore, Ernest and Van Gulick, Robert, (1991), *Readings in the Philosophy of Language*, Oxford: Blackwell.
11. Zia Hosseini, Mohammad, (1391), *Sokhna-Kavi*, Tehran: Rahnama.
12. Askari-Matin, Sajjad and Rahimi, Ali, (2012), "Analysis of legal discourse; Analyzing the role of discourse in the legal context", *Journal of Linguistic Studies*, No. 15.
13. Crystal, David, (2008), *A Dictionary of Linguistics and phonetics*, sixth edition, Oxford: Black well publishing Ltd.
14. Barber, A. & Stainton, R. J, (2010), *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*, Oxford: Elsevier Ltd.
15. Doa Kamil, (2012), *by the efforts of Seyyed Mehdi Shojaei*, Tehran: Nistan.
16. Martínez-Flor, A, (2005), "A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT", *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*, Alicante, No. 18.
17. Safavi, Kurosh, (2012), *Applied Semantics*, second edition, Tehran: Hamshahri.

عَتَبَهُ مِنْهَا فَتَرَكُهُ فِيهَا». (۱۳) به معنی «ای مولای من، چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری گذشته‌ات دارد؟ یا آتش چگونه او را به درد آورد، در حالی که بخشش و رحمت تو را آرزو دارد؟ یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند، در حالی که فریادش را می‌شنوی و جایش را می‌بینی؟ یا چگونه آتش او را دربر بگیرد و حال آنکه از ناتوانی‌اش خبر داری؟ یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود، در حالی که راستی‌اش را می‌دانی؟ یا چگونه فرشته‌های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاریت می‌خواند؟ یا چگونه ممکن است بخشش را در آزادی از دوزخ امید داشته باشد و تو او را در آنجا به همان حال واگذاری؟».

نتیجه‌گیری

غالب پاره‌گفتارها در دعای کمیل از دید کنش‌گفتاری، ترغیبی و عاطفی هستند و بر حقانیت خداوند و دیگر ویژگی‌های او تأکید و تصریح دارند. فراز و فرود کنش‌های گفتاری در یک یا چند بند از دعا بر جذابیت کلام الهی می‌افزاید و در اثرگذاری بر مخاطب، مؤثرتر عمل می‌کند. دلیل بسامد بالای کنش ترغیبی این است که کلیت دعا بر اعتراف بر بزهکاری بنده و تصریح بر بخشندگی باری تعالی تأکید دارد. در واقع، راوی (حضرت علی) بر این باور است که انسان گناهکار می‌تواند در سایه توجّهات الهی و با توبه کردن، می‌تواند سلامت معنوی خدشه‌دار شده‌اش را بازیابی کند و به انسانی شایسته و مؤمنی واقعی بدل شود. از این رو، در غالب فرازهای دعای کمیل، شاهد طرح سلسله درخواست‌ها و تقاضاها از جانب بنده در حق خداوند هستیم تا از این طریق بتواند خود را از بحران معرفت-شناسانه‌های رخسار بخشند. در ارتباط با کنش عاطفی، مؤمن و بنده‌ای که نسبت به گناهان خود آگاه است، به خوبی می‌داند که تاکنون چه موهبت‌هایی را از دست داده است. در نتیجه، غمگین و اندوهناک است و این حالت درونی را در بیانات خود انعکاس می‌دهد. حضرت با مهارتی ویژه سعی کرده‌اند وضعیت نامطلوب یک انسان خطاکار و بحران‌های روحی او را در مواقعی که از الطاف الهی دور شده است، نشان دهند. در ارتباط با کنش اظهاری هم باید گفت آنجا که حضرت به تبیین گزاره‌هایی در ارتباط با خداوند می‌پردازند، در کلام ایشان نوعی قطعیت وجود دارد. این بدان معناست که از دید امام^(ع)، همه صفات نیکویی که در ارتباط با حق تعالی مطرح می‌شود، لاریب و بدون تردید، صحت دارد. تخلق به این ویژگی‌ها و دل سپردن به چنین خدایی، برآیندی مطلوب خواهد داشت و آن، رسیدن به سلامت معنوی و سعادت همیشگی است.

References

1. Searle, John, (1387), *Verbs of speech; An inquiry into the philosophy of language*, translated by Mohammad Ali Abdullahi, second edition, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Science.
2. Austin, j. L, (1971), *How to do things words*, Oxford: Oxford University Press.